

# انقلاب اسلامی و توسعه اقتصاد تعاونی بر اساس آرای شهید بهشتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۰۲ تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۱۰/۰۹

احمدعلی یوسفی\*

## چکیده

تعاونی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از سه بخش اقتصاد ایران - در کنار بخش دولتی و خصوصی - شمرده شده است. در طول چهل سال گذشته تلاش‌های فراوان علمی در بخش خصوصی و دولتی اقتصاد ایران صورت گرفته است؛ اما در بخش تعاونی تلاش‌های علمی از منظر اسلامی بسیار اندک می‌باشد. در اوایل انقلاب مهم‌ترین متن علمی برای تدوین بخش تعاونی قانون اساسی، سخنرانی شهید بهشتی\* درباره تعاونی بود. در دهه اخیر کارهای علمی مناسبی درباره تعاونی از منظر اسلامی صورت گرفته است؛ اما همان سخنرانی شهید بهشتی\* مبدأ اصلی حرکت به سمت تعاونی و گنجاندن آن به عنوان یک بخش اقتصادی در قانون اساسی بوده است. از سوی دیگر همان دیدگاه‌های ایشان می‌تواند مبدأ تحول، هم به لحاظ علمی و هم عملی در اقتصاد تعاونی ایران شود. این امر در صورتی ممکن است

\* دانشیار گروه اقتصاد اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. [economy.islamic@gmail.com](mailto:economy.islamic@gmail.com)



که سخنان ایشان اولاً درست تبیین شود؛ ثانیاً با رفع نواقص آن به تکامل برسد. به همین جهت این نوشتار با روش تحلیل متن تلاش دارد با تبیین برخی محورهای مهم دیدگاه‌های شهید بهشتی<sup>ع</sup> نشان دهد دیدگاه‌های ایشان می‌تواند مبدأ تحول در دانش تعاونی - به عنوان یکی از دانش‌های علوم انسانی اسلامی - باشد.

**واژگان کلیدی:** انقلاب اسلامی، توسعه، معیشت، تعاونی.

## مقدمه

معیشت مطلوب مردم و رفع فقر از جامعه اسلامی در کنار تقویت باورهای دینی جامعه اسلامی، دغدغه همیشگی جامعه اسلامی بوده است. پیگیری مدیریت صحیح مالیات‌های منصوص، اوقاف، قرض‌الحسنه، انفاقات و نیز تشویق مسلمانان به این امور توسط نظام جمهوری اسلامی ایران گواه روشنی بر مدعای پیشین است. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی پیگیری امور پیشین برای وصول به اهداف و آرمان‌های اقتصادی نظام جمهوری اسلامی ایران کفایت نمی‌کرد. به همین جهت، نظام اقتصادی اسلام باید به گونه‌ای طراحی می‌شد که این امر محقق می‌گردید. سهم مؤثر شهید بهشتی<sup>ع</sup> در طراحی نظام اقتصادی اسلام غیر قابل انکار است. در مجلس خبرگان قانون اساسی - که اکثریت نمایندگان آن از روحانیان مجتهد و برجسته بودند - در فصول مربوط به اقتصاد ایران تحول جدی اتفاق افتاد. براساس اسناد موجود از مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی، شهید بهشتی<sup>ع</sup> نقش جدی در تنظیم و تصویب بخش تعاونی از قانون اساسی داشت (روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۱۵۲۳-۱۵۶۸). در سال‌های اول انقلاب تلاش‌های خوبی در جهت اجرایی‌کردن اقتصاد بخش تعاونی

صورت گرفته است؛ اما پس از شهادت اشخاصی همانند شهید بهشتی<sup>ع</sup> به بخش تعاونی کم‌توجهی فراوانی شد و اکنون می‌توان گفت تعاونی‌های موجود ماهیتاً تعاونی نیستند؛ در حالی که اموری از قبیل جلوگیری از تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص و نیز عدم تبدیل دولت به یک کارفرمای بزرگ مطلق از اهداف اقتصاد تعاونی شمرده شده است (معاونت پشتیبانی و امور مجلس وزارت تعاون، ۱۳۷۷، ص ۱).

به هر حال با توجه به تلاش‌های علمی اندک درباره اقتصاد تعاونی از سوی بزرگان اسلامی، آیا دیدگاه‌های شهید بهشتی<sup>ع</sup> می‌تواند منشأ تحول دانش تعاونی از منظر اسلامی به عنوان یکی از دانش‌های علوم انسانی اسلامی گردد؟

پاسخ این پرسش با روش تحلیل متن در قالب فرضیه تحقیق به نحو اجمال این گونه ارائه می‌شود: دیدگاه‌های شهید بهشتی<sup>ع</sup> هم مبدأ تعاونی در ایران بوده است و هم می‌تواند منشأ تحول دانش اقتصاد تعاونی باشد.

برای پاسخ به پرسش اصلی و بررسی فرضیه تحقیق فهرست مهم‌ترین دیدگاه‌های شهید بهشتی<sup>ع</sup> درباره اقتصاد تعاونی در یازده بند ارائه و برخی از مهم‌ترین محورهای آن که می‌تواند مبنای تحول دانش اقتصاد تعاونی براساس مبانی اسلام باشد، تبیین می‌گردد. قبل از ورود به بحث درباره دیدگاه‌های شهید بهشتی<sup>ع</sup> باید اعتراف کنیم که متأسفانه اندیشه‌های علمی ایشان پس از شهادتش تحلیل، بررسی نگردید و امتداد نیافت. بنابراین این تحقیق با محوریت دیدگاه‌های شهید بهشتی<sup>ع</sup> درباره تعاونی بدون پیشینه است.

## دیدگاه‌های آیت‌الله شهید بهشتی<sup>ع</sup> درباره اقتصاد تعاونی

۱. در اقتصاد تعاونی، اصل تعاون و همکاری جانشین رقابت می‌شود.





۲. در اقتصاد تعاونی، نقش اصلی در تولید، مدیریت و بهره‌برداری را انسان بر عهده دارد نه سرمایه.
۳. مالکیت در تعاونی‌ها مشاعی است و صاحبان سهام در کل دارایی سهیم هستند.
۴. در تعاونی‌های تولید تنها اعضای تعاونی می‌توانند اشتغال به کار داشته باشند.
۵. هر صاحب سهم تنها حق یک رأی دارد، هرچند سهام او از سایر اعضا بیشتر باشد.
۶. در اقتصاد تعاونی، نیروی کار توسط سرمایه‌داران استثمار نمی‌شوند.
۷. کسانی که می‌توانند کار کنند، ولی سرمایه ندارند، دولت باید امکانات کار را در اختیار آنها قرار دهد.
۸. از طریق گسترش اقتصاد تعاونی می‌توان جلوی سلطه سرمایه‌داری خارجی و داخلی را گرفت.
۹. اقتصاد تعاونی محرومیت را از بین برده، رفاه محرومان جامعه را تأمین می‌کند.
۱۰. وقتی نقش دولت در اقتصاد کاهش می‌یابد، نباید جایش را به قطب‌های سلطه سرمایه‌داری و سیاسی داد.
۱۱. هدف از اقتصاد تعاونی کاستن واسط‌های غیر ضروری بین تولیدکننده و مصرف‌کننده است (بهشتی، ۱۳۹۳، ص ۲۱-۳۷).
- بررسی تمام محورهای ارائه‌شده، نیازمند تحقیق تفصیلی است؛ بنابراین در این تحقیق تنها به سه محور اول از یازده محور دیدگاه‌های ایشان که می‌تواند مبنای توسعه دانش اقتصاد تعاونی با رویکرد اسلامی شود، تبیین می‌گردد:

**شبهید بهشتی<sup>ع</sup>: «در اقتصاد تعاونی، اصل تعاون و همکاری جانشین**

## رقابت می‌شود»

ایشان در تبیین این اصل گفتند: «در اقتصاد آزاد لیبرال اساس بر رقابت است. هر پیشه‌ور، کارخانه‌دار، مزرعه‌دار و دامداری می‌کوشد با دیگران رقابت کند. شیوه تعاونی، پیشه‌وران، کشاورزان و تولیدکنندگان گوناگون را در یک مجموعه وارد می‌کند و از آنها می‌خواهد با تعاون و همکاری با یکدیگر، وضع تولید را بهتر کنند؛ یعنی همان‌هایی که تا پیش از تشکیل تعاونی رقیب یکدیگر بودند، حالا با تشکیل شرکت‌های تعاونی همکاری یکدیگر می‌شوند» (همان، ص ۲۱-۲۲).

در دانش اقتصاد سه نوع اصل رفتاری مورد بحث است: ۱. اصل رفتاری رقابت؛ ۲. اصل رفتاری تعاون و همکاری؛ ۳. اصل رفتاری انحصار. در ادامه هر یک از این سه اصل تبیین گردیده، از منظر اسلامی نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. با بررسی این اصول رفتاری، اهمیت دیدگاه شهید بهشتی علیه السلام آشکار می‌شود.

## اصل رفتاری تعاون و همکاری

مقصود از اصل رفتاری، نوعی رویکرد رفتاری است که بر تمام فعالیت‌های یک نوع ساختار یا بخش اقتصادی حاکم استبرای نمونه در بخش خصوصی نظام سرمایه‌داری براساس مبانی این نظام، رقابت به عنوان یک رفتار اقتصادی بر تمام فعالیت‌های اقتصادی حاکم است و هر نوع سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی در تعارض با آن، اقدامی غیر موجه محسوب می‌شود؛ کما اینکه اصل رفتاری تعاون نیز نسبت به بخش تعاونی یا اصل رفتاری انحصار نسبت به بخش دولتی چنین است.

مطابق با این اصل تعاون، رفع نیاز خود فرد و سایر تعاون‌طلبان، دگرخواهی و





مسئولیت‌پذیری اجتماعی هدف فعالان اقتصادی است. تعاون‌طلبان در فعالیت اقتصادی در پی ترفیع شأن و جایگاه انسان، توسعه مالکیت‌ها و تنزل شأن و جایگاه سرمایه هستند. بر اساس این اصل رفتاری همه فعالان اقتصادی به نحو مشاع مالک ابزار تولید هستند؛ به میزان تلاش خود سهم می‌برند؛ در مدیریت فعالیت اقتصادی سهم مساوی دارند؛ سهم اندکی به سرمایه اختصاص داده می‌شود و رقابت با همدیگر، جای خود را به مشارکت با هم می‌دهد و حتی مؤسسات تعاونی هم‌عرض به رقابت با هم اقدام نمی‌کنند و در صورت لزوم در هم ادغام شده، مشارکت خود را توسعه می‌دهند. افزون بر آن، شرکت‌های تعاونی حتی با شرکت‌های تجاری و سهامی دیگر به شکل داروینستی رقابت نمی‌کنند، بلکه تنها مراقبت می‌کنند تا این شرکت‌ها به شرکت‌های تعاونی صدمه نزنند. برای اینکه این اصل رفتاری در حد یک توصیه اخلاقی اقتصادی باقی نماند، تعاون‌طلبان، اصول و ارزش‌هایی را برای اجرایی کردن آن ارائه داده‌اند، تا الزاماتی را برای تعاون‌طلبان و نیز رسالت‌هایی را در فعالیت‌های اقتصادی متوجه دولت نمایند (داویدویچ، ۱۳۴۷، ص ۲۶-۲۷/ اتحادیه بین‌المللی تعاون، ۱۳۷۷، ص ۷-۸).

این اصل رفتاری مطابق با آموزه‌های اسلامی است. برخی آموزه‌های اسلامی تأکید دارند که در رفتار با انسان‌ها - مؤمن و غیر مؤمن - برخی ارزش‌های اخلاقی باید رعایت شوند و تعدادی از این آموزه‌ها نیز تأکید بر رعایت برخی ارزش‌ها در رفتار با مؤمنان دارند. در ادامه روشن خواهد شد که رعایت این ارزش‌ها در ارتباط با مؤمن از باب مصداق مهم است، وگرنه در ارتباط با غیر مؤمن نیز باید رعایت شود، بلکه گاهی ممکن است در ارتباط با غیر مؤمن به جهت تبلیغ و گرایش آنان به دینداری و ایمان بیشتر به خدای متعال، اهمیت ویژه‌ای پیدا کند. در ادامه به هر دو دسته از ارزش‌های اخلاقی به عنوان پشتیبان اصل

رفتاری تعاون اشاره می‌شود.

## انسان دوستی از منظر اسلام و تعاون

در بسیاری از آموزه‌های اسلامی، انسان دوستی - با صرف نظر از آیین و گرایش او - مورد تأکید قرار گرفته است؛ بلکه حتی همه انسان‌ها برادر هم خوانده شده‌اند. این تأکید بدان جهت است که حفظ کرامت انسانی همه انسان‌ها مورد نظر اسلام است (اسراء: ۶۹). از پیامبر اسلام ﷺ و سایر معصومان علیهم‌السلام روایات فراوانی در دوستی با مردم و نفع به عموم مردم رساندن، به عنوان وظیفه همه مسلمانان وارد شده است که گزارش برخی از آنها از این قرار است: هنگامی که از رسول خدا درباره محبوب‌ترین مردم نزد خدا پرسیده شد، پاسخ داد کسی که به حال مردم نافع‌تر باشد (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۶۴). درباره اینکه بهترین و محبوب‌ترین مردم نزد خدای متعال نافع‌ترین آنان است، روایات فراوانی از سایر معصومان علیهم‌السلام نیز وارد شده است (آمدی، ۱۳۷۳، ص ۵۰۱). همچنین حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: پس از ایمان به خدای متعال، دوستی نمودن با مردم رأس عقل است (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۵۸). امام علی علیه‌السلام فرمود: نخستین مرحله عقل، دوستی با مردم است (آمدی، همان، ج ۲، ص ۳۸۴).

امیر مؤمنان علیه‌السلام در نامه خود به مالک اشتر درباره رعایت حال همه مردم به او سفارش می‌کند و دلیل آن را این گونه بیان می‌فرماید: «فانهم - الناس - صنفان اما اخ لک فی الدین او نظیر لک فی الخلق: مردم دو گروه‌اند؛ یا برادر دینی تو یا همانند تو در افرینش هستید (شهیدی، ۱۳۷۹، نامه ۵۳).

علی علیه‌السلام در گفتار دیگری همه مردم را برادر هم می‌خواند (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۷۴،





ص ۱۶۵). امام صادق علیه السلام نیز چنین گفتاری دارند که مسلمان کسی است که مردم از دست و زبانش در امان باشند (بابویه القمی، ۱۳۷۶، ۲۳۹).

این مجموعه روایات، وظیفه مسلمان با مسلمان دیگر را بیان نمی‌کند، بلکه در تمام آنها وظیفه مسلمان را با همه مردم، اعم از مسلمان و غیر مسلمان بیان می‌کند. در واقع نوع دوستی در این روایات منظور است، نه فقط مسلمانی مسلمان دیگر را دوست داشته باشد؛ کما اینکه در روایتی امام صادق علیه السلام از زبان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله همه مردم را عیال خدای متعال معرفی می‌کند: «الخلق عیال الله فاحب الخلق الی الله من نفع عیال الله و ادخل علی اهل بیت سرورا: مردم عیال خدایند، پس محبوب‌ترین مردم نزد خدای متعال کسی است که به عیال خدا نفع رساند و خانواده‌ای را مسرور سازد (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۶۴).

نوع دوستی امری است که انسان به طور فطری آن را می‌پسندد؛ اما یک امر غریزی دیگر خیلی مواقع مانع عمل نوع دوستانه انسان‌ها نسبت به هم می‌شود و آن غریزه حبّ الذات است که بر اساس آن، انسان حاضر نیست عملی را بدون پاداش مناسب، به نفع دیگران انجام دهد. در بسیاری مواقع عمل به نفع دیگران لازمه‌اش آن نیست که انسان به میزان اهمیت آن عمل در دنیا منتفع شود. در این صورت غریزه حبّ الذات انسان را راهنمایی می‌کند که امکانات خود را در مواردی به کار گیرد تا بیشتر منتفع شود. اما بر اساس روایات پیشین، دایره انتفاع اعم از انتفاع اندک و زودگذر و ناپیدار دنیایی و اخروی است. انسان مسلمان وقتی به نفع مردم -مسلمان و غیر مسلمان- عمل نماید و این عمل او برای رضای الهی باشد، مطمئن است آنچه به دست می‌آورد، بیش از آن چیزی است که از دست می‌دهد. نوع دوستی که در تعاون مورد نظر است، تنها شعار نیست، بلکه باور



قلبی و عمل و اقدام در جهت باور قلبی است که زمینه چنین امری تنها بر اساس آموزه‌های الهی و اسلامی فراهم می‌شود. اگر این باور و رفتار در جامعه نهادینه شود، می‌تواند زمینه‌ساز تشکیل تعاونی‌ها توسط مردمی با هر دین و آیین الهی باشد.

## همیاری و همکاری

تردید نیست که همیاری صادقانه به طور تصاعدی باعث افزایش توان انجام امور می‌شود. به همین جهت در آموزه‌های اسلامی به مسلمانان امر شده است در امور خیر همکاری و تعاون نمایند و از تعاون در امور گناه و آنچه مایه دشمنی است، پرهیز کنند. خدای متعال در قرآن به این امر تصریح دارد: «تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان وَ اتَّقُوا اللَّهَ اِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ: در امور خیر و تقوا همکاری کنید و از همکاری در امور گناه و دشمنی پرهیزید و تقوای الهی پیشه کنید که مجازات خدا شدید است (مانده: ۲).

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان معنای تعاون بر برّ و تقوا را ایمان به خدا و تأمین مصالح اجتماعی و تعاون بر اثم و عدوان را تعدی به حقوق حقّه مردم و سلب امنیت از جان و مال و ناموس آنان می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۶۶). در این آیه با توجه به بیان علامه طباطبایی سه نکته برای بحث ما قابل استفاده است: اولاً مخاطب آیه همه مسلمانان هستند؛ ثانیاً همکاری همه مسلمانان را قرآن در قالب باب تفاعل که برای بیان عمل طرفینی می‌باشد، آورده است؛ ثالثاً این همکاری در اموری که به مصلحت اجتماعی ختم شود، جایز بوده و همکاری در اموری که خلاف مصالح عمومی باشد، غیر مجاز است.





نهی در این آیه، به جهت آنکه منهی عنّه، تعاون بر اثم و گناه است، ظهور در حرمت دارد و خدای متعال نیز با عبارت «وَاتَّقُوا اللَّهَ أَنْ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» بر این امر تأکید کرده است (همان). گرچه در صدر آیه، همه مردم به تعاون در امور خیر و تقوی امر شده‌اند، اما از آنجایی که به دلیل مخصّص منفصل می‌دانیم که تمام مصادیق خیر و تقوا واجب نیست، از اطلاق آیه دست کشیده و حمل بر مطلق مطلوبیت می‌شود. البته در این صورت برخی مصادیق تعاون در خیر و تقوا واجب می‌باشد (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۵۹).

### مسئولیت‌پذیری و همبستگی اجتماعی

بر اساس آموزه‌های اسلام، انسان برای رسیدن به کمال و سعادت آفریده شده است؛ اما برای تحقق این امر، در برابر هم مسئولیت‌هایی دارند. تعهد و عمل به قوانین و قراردادهای اجتماعی، باعث تحقق برنامه‌های کلان اجتماعی و درنهایت رفاه عمومی را به دنبال خواهد داشت. تأمین رفاه عمومی یکی از عناصر وصول انسان‌ها به سعادت است. بر مبنای اصالت فرد و جامعه، انسان افزون بر آنکه دارای هویت فردی است؛ انسان‌ها در برابر هم، حقوق و مسئولیت‌هایی دارند (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳-۱۳۰). مسئولیت‌پذیری اجتماعی باعث می‌شود قوانین اجتماعی که به مصلحت عموم مردم وضع می‌شوند، توسط عموم مردم رعایت شده و از نابسامانی‌های اجتماعی جلوگیری گردد و نظم اجتماعی در جامعه استقرار یابد. در آموزه‌های دینی به مسئولیت‌های افراد در برابر هم فراوان تصریح شده است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ و سایر ائمه علیهم‌السلام در سخنان فراوانی مردم را خطاب قرار داده و به مسئولیت آنان در برابر هم تأکید نموده‌اند. رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة: همه شما چوپان (نگهبان) اید و همه شما در برابر گله (مردم)

مسنول هستید (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۷۵، ص ۳۸).

همچنین رسول الله ﷺ در گفتار دیگری برای اهتمام به امور مسلمین فرمود: «من اصبح ولا يهتم بامور المسلمين فليس منهم و من سمع رجلا ينادي يا للمسلمين فلم يجبه فليس بمسلم: هر کس صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نوزد، مسلمان محسوب نمی شود و هر کسی از شخصی بشنود که ندای «یا للمسلمین» سر می دهد و او را اجابت نکند، مسلمان نیست (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۶۴).

مسئولیت پذیری اجتماعی عامل مهمی در ایجاد وحدت و همبستگی اجتماعی است. وحدت و همبستگی اجتماعی زمانی در جامعه اتفاق می افتد که مردم درباره مسائل دیگران و جامعه احساس وظیفه و مسئولیت کنند. با ایجاد روحیه وحدت و همبستگی اجتماعی بسیاری از مشکلات اجتماعی و اقتصادی آسان تر قابل حل خواهد بود. به جهت اهمیت این امر است که خدای متعال در قرآن کریم به وحدت و همبستگی اجتماعی تأکید کرده است: «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا واذكروا نعمت الله عليكم اذ كنتم اعداء فالف بين قلوبكم فاصبحتم بنعمته اخوانا: همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خداوند را بر خود یاد کنید آن گاه که دشمنان همدیگر بودید، سپس خداوند میان دل های شما الفت داد و به نعمت او با هم برادر شدید (انفال: ۶۳).

خدای متعال هم اثر وحدت را یادآوری می کند و هم به مسلمانان فرمان می دهد با هم متحد باشند. وحدت مسلمانان تنها در امور خیر و در جهت تحقق اهداف مطلوب است. اگر ایجاد زمینه وحدت، افزون بر آثار دنیوی همراه با پاداش معنوی و اخروی باشد، تحقق آن آسان تر و پایدارتر خواهد بود؛ بلکه امور دنیایی هرگز نمی تواند باعث وحدت و همبستگی پایدار بین مردم شود. خدای متعال به پیامبر اسلام همین مطلب را در قرآن





یادآور شد: «و الّف بین قلوبهم لو انفقتم ما فی الارض جمیعا ما الّف بین قلوبهم و لکن الله الّف بینهم انّه عزیزٌ حکیم: و دل‌های آنها را با هم الّف داد، اگر تمام آنچه را روی زمین است، صرف می‌کردی که میان آنان الّف دهی، نمی‌توانستی؛ ولی خداوند میان آنان الّف ایجاد کرد. او توانا و حکیم است (همان).

خدای متعال در این آیه قرآن به پیامبر اسلام ﷺ یادآوری می‌کند که اساساً ایجاد همبستگی بین مردم تنها با امکانات مادی ممکن نیست و اگر هم به طور موقت حاصل شود، به یقین پایدار نخواهد ماند. وحدت هنگامی حاصل می‌شود و پایدار خواهد ماند که مردم به خدای متعال و پاداش معنوی باور داشته باشند. طبیعی است اگر وحدت تنها برای رسیدن به امور مادی شخصی باشد، افرادی که در چرخه وحدت قرار گیرند، هر موقع احساس کنند که ایجاد تفرقه و گسستن ریسمان همبستگی، آنها را به منافع مادیشان می‌رساند، تلاش خواهند کرد وحدت موجود را به هم بریزند. این گونه وحدت هرگز مورد نظر تعاون نیست. بنابراین نظام اقتصاد تعاون اگر بخواهد بین تعاون‌طلبان، همبستگی پایدار ایجاد کند، به ناچار باید از امکانات معنوی الهی و اسلامی بهره‌مند شود. با تحقق روحیه مسئولیت‌پذیری و همبستگی اجتماعی بین آحاد مردم، سرمایه اصلی برای فعالیت‌های اقتصادی به شکل تعاون به وجود خواهد آمد. اساساً کسانی که روحیه مسئولیت‌پذیری و همبستگی اجتماعی نداشته باشند، نمی‌توانند عنصر مفیدی در فعالیت‌های تعاونی باشند؛ بنابراین باید برنامه‌ریزی برای تقویت این روحیه در سطح عموم مردم برای تحقق تعاون صورت گیرد.

## برادری در اسلام

از دیدگاه اسلام، مؤمنان برادر هم خوانده شده‌اند. خدای متعال در قرآن می‌فرماید: «انما المؤمنون اخوه: مؤمنان برادر هم هستند (حجرات: ۱۰). همین مضمون در روایات فراوانی آمده است (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۵۵-۱۶۷). در یکی از این روایات امام صادق علیه السلام می‌فرماید: المؤمن اخو المؤمن کالجسد الواحد آن اشتکی شیئا منه وجد الم ذلک فی سائر جسده: مؤمن برادر مؤمن است، همانند یک بدن به گونه‌ای که اگر عضوی از آن مواجه با درد شود، سایر اعضای بدن نیز آن درد را حس می‌کنند (همان، ص ۱۶۶).

این گونه نگاه مسلمانان به هم، حقوق بسیاری را نسبت به هم الزام می‌کند که در منابع اسلامی آمده است (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۶۹-۱۷۴). در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود. در روایتی پیامبر صلی الله علیه و آله حق مسلمان بر برادر مسلمانش را سی عدد می‌شمارد و می‌فرماید برانت حاصل نمی‌شود مگر آنکه آنها را ادا کند یا برادر مسلمانش او را عفو نماید. تعدادی از این حقوق که آثار اجتماعی دارند، عبارت‌اند از:

خطاهای او را ببخشد؛ در گرفتاری‌ها نسبت به او مهربان باشد؛ اسرار او را پنهان دارد؛ اشتباهات او را جبران نماید؛ عذرخواهی او را بپذیرد؛ در برابر بدگویان از او دفاع نماید؛ همیشه خیرخواه او باشد؛ دوستی او را پاس بدارد؛ پیمان با او را مراعات کند؛ هنگام مریضی از او عیادت نماید؛ دعوت او را اجابت کند؛ هدیه او را بپذیرد؛ بخشش او را عوض دهد؛ نعمت او را سپاس گوید؛ او را یاری دهد؛ حاجت او را برآورد؛ واسطه برآوردن خواسته‌هایش شود؛ سلام او را جواب دهد؛ دوستی او را گرامی بدارد؛ با او دشمنی نکند؛ به او یاری رساند چه ظالم باشد و چه مظلوم، اما یاری او در حالی که ظالم باشد به این است که او را از ظلمش باز دارد و در حالی که مظلوم باشد، به این است که او را در گرفتن





حش کمک نماید؛ و آنچه از خوبی‌ها برای خود دوست دارد، برای او دوست بدارد و آنچه از بدی‌ها برای خود نمی‌پسندد برای او هم نپسندد (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۷۴، ص ۲۳۶).

تردیدی نیست که رعایت این گونه حقوق مؤمنان نسبت به هم باعث همبستگی اجتماعی و ایجاد روحیه تعاون در همه زمینه‌ها از جمله اقتصادی می‌شود. با تحقق و نهادینه شدن رعایت این گونه حقوق در جامعه آسان‌تر می‌توان نظام تعاون را در جامعه راه انداخت و نیز قوام و پایداری آن را تضمین نمود. مطالب بیان‌شده، نشان می‌دهد اصل رفتاری تعاون کاملاً مورد تأیید آموزه‌های اسلامی است.

### اصل رفتاری رقابت

بر اساس اصول نظام سرمایه‌داری که عبارت‌اند از اصالت فرد، مالکیت فردی مطلق، آزادی اقتصادی مطلق و پیگیری حداکثر منافع شخصی در فعالیت‌های اقتصادی، یک اصل رفتاری منتج می‌شود که عبارت است از رقابت آزاد. در ادامه این اصل رفتاری تبیین و توضیح داده می‌شود.

رقابت در اوضاع گوناگون اقتصادی و در طول تاریخ نظام سرمایه‌داری، تفاسیر گوناگونی به خود گرفته است (رنانی، ۱۳۷۶، ص ۸۳-۱۰۰)؛ اما در همه این تفاسیر، رقابت به معنای کوشش و مبارزه با رقیبان برای پیروزی در دستیابی به امکانات اقتصادی بیشتر، در آن نهفته است. انسان‌ها از آدانه در عرصه فعالیت‌های اقتصادی در پی حداکثرکردن منافع شخصی مادی خود هستند. با کوشش برای کسب سود بیشتر، رقابت در اقتصاد شکل می‌گیرد. هر تولیدکننده در رقابت با تولیدکنندگان دیگر، همه کوشش خود را برای کاهش هزینه تولید و کاهش قیمت‌ها به کار می‌گیرد. در این فرایند کسانی که توان

ماندن در بازار را ندارند ورشکست شده، از گردونه رقابت خارج می‌شوند. در واقع مدعیان حُسن رقابت، معتقدند زندگی مسابقه تلاش است و در آن، تنها شایسته‌ها، به قله می‌رسند. باستیا یکی از طرفداران جدی نظام سرمایه‌داری درباره نفع شخصی و رقابت می‌گوید:

۸۷



پروردگار توانا، انسان را دارای حس نفع‌طلبی آفریده که هر چیزی را برای خود و تنها برای خود بخواهد؛ ولی پروردگار، در نظام جامعه، عامل دیگری خلق کرده که استفاده همگان را از موهبت‌های رایگان او میسر و مقدور گرداند. این عامل رقابت است. نفع شخصی همان محرک توانای بی‌همتایی است که ما را به پیشرفت و ازدیاد ثروت خود و در عین حال به کوشش برای تحصیل یک وضع انحصاری بر می‌انگیزد. رقابت نیروی توانای بی‌همتای دیگری است که مزایای فردی را در اختیار عموم قرار می‌دهد و همگی افراد جامعه را از آن بهره‌مند می‌سازد. این دو نیرو که شاید هر یک به تنهایی مذموم و زیان‌آور باشند، به یاری یکدیگر، هماهنگی و تجانس نظام جامعه را تأمین می‌کنند (بدن، ۱۳۵۴، ص ۱۹۳).

نکته مهم در این گفتار آن است که انسان همه چیز را برای خود و تنها برای خود می‌خواهد؛ به گونه‌ای که این رفتار او منافع را به سمت یک وضعیت انحصاری می‌کشاند، اما در عین حال رقابت، همه مردم را از این منافع بهره‌مند می‌سازد.

هرچند در بازار رقابتی، گاهی رشد اقتصادی از طریق کشف روش‌های تولید کارآمد و کاهش هزینه‌ها اتفاق می‌افتد، آثار منفی رقابت نیز بر صاحب‌نظران اقتصادی پوشیده نیست. ایجاد قطب‌های عظیم اقتصادی، انحصارهای بزرگ، بروز شکاف طبقاتی شدید در سطح بین‌المللی و فقر گسترده در بخش اعظم کره زمین محصول همین رقابت است



(تفضلی، ۱۳۷۵، ص ۳۵۳). در ادامه با تحلیل رقابت، به بررسی بیشتر این اصل رفتاری می‌پردازیم.

## تحلیل رقابت

رقابت به معنایی که گذشت، به طور ضمنی در بردارنده امور ذیل است:

۱. **عنصر اختصاص و انحصار:** وقتی انسان‌ها فقط به انگیزه حداکثرکردن سود مادی شخصی با هم به رقابت برخیزند، سمت‌وسوی فعالیت‌های آنها به طور معمول با اختصاص امکانات اقتصادی به خود و محروم کردن دیگران خواهد بود. این رفتار، رفتاری انحصارگرانه است. در نهاد اصل رفتاری رقابت، اندیشه تنازع بقا و دوری از احسان و نیکی نهفته است. بنابراین چرا توانمندان همیشه در صدد اختصاص امکانات به خود نباشند؟ در واقع شرایط رقابت به سمت انحصار پیش می‌رود و به تعبیر لوی بلان «رقابت قاتل رقابت است» (قدیری اصلی، ۱۳۶۸، ص ۱۳۹). از آنجا که در ادامه اصل رفتاری انحصارگرانه تبیین و براساس آموزه‌های اسلامی بررسی می‌شود، به همین مقدار اکتفا می‌گردد.

۲. **جایگزینی بدی با نیکی:** نظام سرمایه‌داری بر اساس انسان‌شناسی خاصی، خیر را به معنای لذت مادی بیشتر و پایدارتر تفسیر نمود. بنابراین رقابت برای کسب سود مادی بیشتر، بدون هیچ‌گونه محدودیت اخلاقی رفتاری عقلایی محسوب می‌شود. عنصر حرص و طمع در وجود افراد عامل مهی برای دستیابی به هدفشان است. کینز بزرگ‌ترین اقتصاددان نظام سرمایه‌داری معتقد است: «ما باید به مردم پیاموزیم که بد، خوب است و خوب، بد است. حرص، طمع و... در فعایت‌های اقتصادی برای حداکثرکردن سود مادی



شخصی عامل مهم و مفیدی است و با تغییر آموزه‌های اخلاقی و ارزشی، پیشرفت اقتصادی ممکن است» (سی بی مک، ۱۳۶۹، ص ۱۲۲-۱۲۳). در واقع در بستر اصل رفتاری رقابت مبتنی بر آموزه‌های نظام سرمایه‌داری، باید مرگ ارزش‌های اخلاقی را انتظار داشت.

۸۹



**۳. عدم امنیت و تهدید ذاتی دائمی:** بازار مبتنی بر رقابت در نهاد و نهان خود همیشه با تهدید مواجه است. در این بازار هیچ گاه امنیت برای فعالان اقتصادی فراهم نخواهد شد؛ بلکه در بازار رقابت در پی امنیت اقتصادی بودن با تناقض مواجه است؛ زیرا تحقق امنیت اقتصادی همراه با کاهش کارایی اقتصادی ممکن است؛ در حالی که کارایی اقتصادی را فقط در چارچوب بازار رقابتی قابل حصول می‌داند. باری بوزان درباره تهدید و تحصیل امنیت اقتصادی در نظام سرمایه‌داری مبتنی بر بازار رقابت، تحلیل خواندنی دارد: اینک امنیت اقتصادی ارزش مطلق است که کاربرد وسیعی دارد، بیش از یک توهم نیست و پیگیری آن به منزله دنبال سراب رفتن است. در واقع امنیت اقتصادی ایده نسبی است که امکان تناقض‌گویی و اشتباه در آن وجود دارد... کاپیتالیسم... سیستمی رقابتی است که کل پویایی آن به اثرات متقابل تهدیدها، آسیب‌پذیری‌ها و فرصت‌های بازار وابسته است. در چنین محیطی و در شرایطی که رقابت همیشه این خطر را با خود دارد که در یک طرف بازنده‌ها قرار گیرند، چگونه واحدها می‌توانند احساس امنیت کنند؟ امنیت نسبی امکان‌پذیر است (برخی بهتر از دیگران هستند)؛ ولی امنیت مطلق در کار نیست. اقتصاد کاپیتالیستی فقط در حالی کاراست که رقابت آزاد باشد تا رفتارها را شکل بدهد. افراد و شرکت‌ها در این سیستم تنها موقعی به رفاه می‌رسند که بتوانند رقابت کنند و ورشکستگی به اندازه سوددهی در فعالیت‌ها مؤثر باشد. خلاقیت و رونق سیستم به خارج شدن



واحدهای فاقد کارایی و نوآوری از سیستم و حاکم شدن واحدهای واجد کارایی و نوآوری بیشتر بستگی دارد. بدین ترتیب کاپیتالیسم رقابتی تا حد زیادی بر احساس ناامنی دائمی همه واحدهای آن (افراد، شرکت‌ها و دولت‌ها) بنا شده است و در نتیجه ایده امنیت اقتصادی در کاپیتالیسم، تناقضی را در خود نهفته دارد. این سیستم بدون مقادیر قابل توجهی از ناامنی نمی‌تواند فعالیت کند... تنها راه رهایی از این تناقض، این استدلال است که امنیت اقتصادی با کاپیتالیسم غیر قابل جمع است (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۲۶۴-۲۶۵).

بنابراین به چه منطقی درون چنین سیستمی می‌توان در پی مسئله کلیدی امنیت اقتصادی بود؟ وقتی نظامی به تعاون، اخوت و مواسات پشت کند و فقط منافع شخصی را به صورت انگیزه رفتارهای اقتصادی تبلیغ و تشویق کند و عقل را در خدمت شهوت بداند، هیچ گاه از انواع تهدیدها، فشارها و تعرض‌ها ایمن نخواهد بود. امیر مؤمنان علیه السلام در بیانی رقابت را مورد نهی قرار داده است: «فَلَا تَنَافَسُوا فِي عَزَالِ الدُّنْيَا وَفَخْرَهَا: در راه رسیدن به عزت و افتخارهای دنیایی با هم رقابت نکنید» (شهیدی، ۱۳۷۹، خطبه ۹۹، ص ۹۱).

به نظر می‌رسد واضح‌ترین مصداق رقابت مورد نهی امیر مؤمنان علیه السلام رقابت به مفهوم متداول در نظام سرمایه‌داری باشد؛ چراکه این نوع رقابت در امور دنیایی منشأ بسیاری از خصلت‌های ناپسنداست.

ممکن است گفته شود شرایط و ویژگی‌های ذکر شده در صورتی اتفاق می‌افتد که بازار رقابت کامل وجود نداشته باشد؛ در حالی که نظام سرمایه‌داری در پی بازار رقابت کامل است و در بازار رقابت کامل شرایطی به وجود می‌آید که انحصار و تهدید وجود نخواهد داشت. در ادامه شرایط بازار رقابت کامل بیان و توضیح مختصری ارائه می‌شود.

بازار رقابت کامل بازاری است که برای تحقق آن، شرایط ذیل ضرورت دارد:

۱. تعداد خریداران و فروشندگان به قدری زیاد هستند که هیچ یک از آنها توان تأثیرگذاری بر قیمت بازار را ندارند.
۲. کالاهای تولیدشده همگن باشند.
۳. مانعی برای ورود و خروج به بازار وجود نداشته باشد.
۴. اطلاعات برای خریداران و فروشندگان کامل و شفاف باشد.
۵. تحرک عوامل در بازار، آزاد باشد (تفضلی، ۱۳۷۵، ص ۸۴-۸۶).

چنین بازاری هرگز پدید نیامده است؛ چون تحقق چنین وضعی در عالم واقع و در خارج از ذهن انسان محال عرفی است. در واقع در بازار رقابت کامل هیچ گونه رقابتی وجود ندارد. رقابت واقعی فقط در بازارهایی که بین بازار رقابت کامل و انحصار کامل وجود دارند، ممکن است. شایسته نیست ما شرایط ذهنی رقابت کامل را به اسم رقابت بنامیم؛ چراکه در این وضعیت، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان احساس نمی‌کنند دارای رقیب هستند.

### اصل رفتاری انحصارگرانه

بازار انحصاری به لحاظ شدت و ضعف رفتار انحصارگرانه، شامل انواعی مثل بازار انحصاری کامل، رقابت انحصاری و انحصار چندجانبه است. بازار انحصاری کامل به شرایطی گفته می‌شود که فقط یک بنگاه یا فرد تولیدکننده یا فروشنده کالا یا خدمت وجود دارد که تولید یا عرضه کالا یا خدمت خاصی را در اختیار داشته و جانشین مناسبی هم برای آن کالا یا خدمت وجود ندارد.

انحصار از یک سو به انحصار دولتی و غیر دولتی و از سوی دیگر، به انحصار طبیعی و غیر طبیعی تقسیم می‌شود. گاهی دولت به جهت تأمین رفاه عمومی، تولید برخی کالاها و



خدمات همانند راه‌آهن را در انحصار خود می‌گیرد. البته چون هدف این انحصار تأمین رفاه عمومی است، دولت قیمت آن را به نحوی افزایش نمی‌دهد تا موجب مشقت و زیان مردم شود. انحصار طبیعی مثل اینکه شخصی وسیله جدیدی را اختراع کند و با آن برخی کالاها و خدمات را با هزینه کمتری تولید و در اختیار دیگران قرار دهد. انحصار غیر طبیعی آن است که برخی بنگاه‌ها و قدرت‌های اقتصادی با کاهش موقتی قیمت کالا یا خدمتی، سایر رقبا را از میدان فعالیت بیرون کرده، سپس قیمت آن کالا یا خدمت را آن طوری که می‌خواهند و ممکن است، تعیین کنند (فرجی، ۱۳۷۸، ص ۲۵۵-۳۲۹). بنابراین اصل رفتاری رقابت در مراتبی تبدیل به رفتار انحصارگرانه می‌شود. رقابت با دیگران برای بقا و تثبیت موقعیت، رفتار انحصارگرانه محسوب نمی‌شود؛ اما رقابت برای خارج کردن سایرین از عرصه فعالیت اقتصادی و در اختیار گرفتن تمام تولید یا فروش یک کالا یا خدمتی، رفتار انحصارگرانه محسوب می‌شود. انحصارگر در بازار، تعیین‌کننده قیمت کالا یا خدمت خود است؛ بنابراین ممکن است انحصارگر تا جایی که امکان دارد با افزایش قیمت کالا یا خدمت انحصاری، در صدد حداکثر کردن سود خود برآید. در چنین وضعیتی، رفاه عمومی کاهش و فاصله طبقاتی افزایش می‌یابد. اگر انحصار کامل روی کالاها و خدمات اساسی و ضروری مردم اتفاق بیفتد، ممکن است مردم در تأمین آن کالاها دچار مشقت و زیان و ضرر گردند.<sup>۱</sup>

درباره حکم فقهی جواز یا عدم جواز انواع انحصار پیش‌گفته فقیهان باید اظهار نظر کنند. این تحقیق با استفاده از آثار انواع انحصار و آموزه‌های اسلام، مطلوب یا عدم

۱. در ادامه هر گاه واژه انحصار به طور مطلق به کار برده شود، منظور انحصار غیر طبیعی است.

مطلوب بودن آنها را بررسی می‌کند. به یقین انحصار دولتی از منظر اسلام امر نامطلوب محسوب نمی‌شود؛ چون فرض این است که انحصار دولتی هنگامی اتفاق می‌افتد که سایر تولیدکنندگان حاضر به تولید کالا یا خدمت خاصی نیستند و دولت برای تأمین رفاه عمومی به چنین امری اقدام می‌کند. انحصار طبیعی یک نوع حق برای مخترع محسوب می‌شود و نمی‌توان او را از این حق محروم کرد و تخصص تولید آن وسیله اختراع شده را بدون اجازه او در اختیار دیگران قرار داد؛ اما اگر کالای تولیدی از کالاهای اساسی و ضروری مردم باشد و انحصارگر قیمت این کالا را به حدی افزایش دهد که باعث مشقت و زیان عمومی شود، از منظر اسلام امر مطلوبی محسوب نمی‌شود. این عمل شبیه احتکاری است که باعث ضرر و زیان عموم مردم می‌شود. انحصار غیر طبیعی از منظر اسلام غیر مطلوب است. شواهد و ادله زیر را می‌توان بر غیرمطلوب بودن این نوع رفتار انحصارگرانه ارائه داد:

یک. احتکار در توزیع و فروش نوعی رفتار انحصارگرانه است؛ چون محتکر می‌خواهد با خرید تمام یا بخش بزرگی از کالا و توزیع آن را در انحصار خود درآورد و در جریان قیمت‌های بازار تأثیر بگذارد و تعیین‌کننده قیمت باشد تا از این طریق سود خود را به حد اکثر برساند. احتکار همانند انحصار می‌تواند نتیجه رقابت باشد. کسی که قصد احتکار دارد، می‌تواند بخش عمده‌ای از کالایی را خریداری نموده و به جهت رقابت با سایر توزیع‌کنندگان و خارج کردن آنها از چرخه توزیع، آن را به قیمت ارزان به بازار عرضه کند تا سایر توزیع‌کنندگان ورشکست و از بازار خارج گردند. در این صورت محتکر می‌تواند تمام یا بخش عمده آن کالا را خریداری و احتکار نماید، آن‌گاه به قیمت بالایی بفروشد تا سود خود را به حد اکثر برساند؛ بنابراین احتکار یک نوع رفتار انحصارگرانه در توزیع کالا است. به جهت مفسد این نوع رفتار انحصارگرانه است که امیر مؤمنان علیه السلام در نامه خود





به مالک اشتر می‌فرماید:

وَ اعْلَمْ مَعَ ذَلِكَ أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحِشًا وَ شَحَا فَيَبِيحَا وَ اخْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ وَ تَخَكُّمًا فِي الْبِيَعَاتِ وَ ذَلِكَ بَابٌ مَضْرُوبٌ لِلْعَامَّةِ وَ عَيْبٌ عَلَى الْوَلَاةِ فَاُتَمَنَعُ مِنَ الْاِخْتِكَارِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص مَنَعَ مِنْهُ وَ لِيَكُنِ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمَحًا، بِمَوَازِينِ عَدْلٍ وَ اسْعَارٍ لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَ الْمُبْتَاعِ فَمَنْ قَارَفَ خُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ آيَاهُ فَتَنَكَّلْ بِهِ وَ عَاقِبُهُ فِي غَيْرِ اسْرَافٍ: با این همه بدان که میان بازرگانان بسیار کسان‌اند که معاملتی بد دارند، بخیل‌اند و در پی احتکار منافع هستند. سود خود را می‌جویند و کالا را به هر بها که خواهند می‌فروشند و این سودجویی و گرانفروشی زیانی است برای همگان و عیب است بر والیان؛ پس، از احتکار منع کن؛ چراکه رسوله خدا ﷺ آن را منع کرد. خرید و فروش باید آسان صورت گیرد و با میزان عدل انجام پذیرد؛ با نرخ‌هایی که نه به زیان فروشنده و نه خریدار باشد. کسی که پس از منع تو دست به احتکار زند، او را کیفر ده و عبرت دیگران گردان؛ البته در کیفر او زیاده‌روی مکن (شهیدی، ۱۳۷۹، نامه ۵۳، ص ۳۳۵).

از این گفتار علی علیه السلام مطالب زیر استفاده می‌شود:

- انحصارگر بد معامله است.
- انحصارگر بخیل است.
- برای انحصارگر تنها سود خودش اهمیت دارد؛ بنابراین کالا را به هر قیمتی بخواهد می‌فروشد.
- انحصار برای همه ضرر است.
- انحصار برای حکومت عیب است.
- انحصار خلاف عدالت است.

اگر این رفتار انحصارگرانه از نظر اسلام مطلوب باشد، هرگز امیر مؤمنان علیه السلام دستور

نمی‌داد تا از آن جلوگیری کرده، عامل آن، مجازات شود.

دو. آن حضرت در گفتار دیگری، مفاسد اخلاقی، اجتماعی و سیاسی انحصار را به روشنی بیان می‌فرماید:

الاستثنار یوجب الحسد و الحسد یوجب البغضة و البغضة توجب الاختلاف و الاختلاف یوجب الفرقة و الفرقة توجب الضعف و الضعف یوجب الذل و الذل یوجب زوال الدولة و ذهاب النعمة: انحصار و اختصاص امکانات به خود، باعث حسد دیگران و حسد باعث دشمنی، دشمنی سبب اختلاف، اختلاف باعث جدایی، جدایی سبب ضعف، ضعف باعث خوارشدن و خواری و ذلت باعث ازبین رفتن دولت و نعمت می‌شود (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۶۴م، ج ۲۰، ص ۳۴۵).

کتب لغت جدید (اذرنوش، ۱۳۷۹، ص ۳) و قدیم (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۰/الحسینی الزبیدی، ۱۹۷۲م، ج ۱۰، ص ۲۱) واژه «الاستثنار» را به انحصار در آوردن و به خود اختصاص دادن معنا کرده‌اند.

هنگامی که رفتاری در عرصه اقتصادی این همه مفاسد اخلاقی، اجتماعی و سیاسی را در پی داشته باشد، هیچ‌گاه در شریعت اسلامی امری مطلوب شمرده نمی‌شود.

سه. امیر مؤمنان علیه السلام در نامه‌ای خطاب به مالک اشتر دستور داده است از به انحصار در آوردن و اختصاص دادن هر گونه امکانات و فرصت‌های اقتصادی که همه مردم در آنها حق یکسان دارند، خودداری کند: «ایاک و الاستثنار بما للناس فيه اسوة: بهره‌یز از آنکه چیزی را به خود اختصاص دهی که [بهره] همه مردم در آن یکسان است» (شهیدی، ۱۳۷۹، خطبه ۵۳، ص ۳۴۰).

گفتار امام علیه السلام اطلاق دارد و هر گونه دارایی یا فرصت و مزیت اقتصادی، چه در بخش توزیع یا تولید را شامل می‌شود. مخاطب امیر مؤمنان علیه السلام مالک اشتر است؛ اما روشن است که وی خصوصیتی ندارد که این حکم به او یا هر حاکم دیگری مختص باشد، بلکه





انحصار به سبب مفاسد اقتصادی که در پی دارد، مورد نهی علی علیه السلام است.

چهار. سیره و اقدام‌های عملی علی علیه السلام درباره بازار نشان می‌دهد که برای جلوگیری از انحصار و افزایش قیمت‌ها، اقدام‌هایی می‌کرد و وضع مطلوبی را فراهم می‌آورد. در کوفه، هر یک از کالاها بازار خاصی را به خود اختصاص داده بود و تجمع فروشندگان و خریداران فراوان در مکان خاصی باعث می‌شد که سهم هر یک از آنها در تأثیرگذاری بر قیمت بازار در حد صفر یا بسیار اندک باشد. این بازارها عبارت بودند از بازار قصابان، خرمافروشان، ماهی‌فروشان، بزاز، صراف، خیاطی، بازار خرید و فروش شتر، روغن‌فروشان، نانویان و....

وجود این گونه بازارها باعث شفاف‌شدن اطلاعات خریداران درباره قیمت کالاها می‌شد؛ خرید و فروش آسان‌تر صورت می‌گرفت و توان خریداران و فروشندگان برای تصمیم‌های عقلایی ممکن می‌شد. افزون بر اینها امیر مؤمنان علیه السلام بر بازارها نظارت داشت تا خرید و فروش طبق موازین عدل صورت گیرد. این اقدام‌ها و شرایط باعث می‌شد قیمت‌ها بر میزان عدل و انصاف باشد و بر فروشنده و بر خریدار اجحافی صورت نگیرد. امیر مؤمنان علیه السلام اجازه نمی‌داد افراد مکان خاصی از بازار را به انحصار خود درآورده، همیشه به خود اختصاص دهند و هر روز صبح هر کس زودتر به بازار می‌آمد، می‌توانست در مکان دلخواه خود، کالايش را در معرض فروش قرار دهد. حضرت می‌کوشید هیچ گونه رفتار انحصاری در بازار مسلمانان اتفاق نیفتد و این تلاش باعث می‌شد قیمت‌ها بر موازین عدل و انصاف باشد (ر.ک: رشاد، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۵۱۲).

پنج. پیامبر صلی الله علیه و آله رفتار انحصارگرانه را چه اینکه انحصارگر با ایجاد شرایط انحصاری و افزایش قیمت کالايش به دیگران آسیب برساند یا حتی برای بیرون‌کردن سایر فروشندگان و



ورشکست کردن آنها قیمت کالای خود را از حد متعارف و تعادلی کاهش دهد، ممنوع کرد. در روایتی نقل شده است:

رسول اکرم ﷺ در بازار بر مردی گذر کرد که کالایی را ارزان‌تر از قیمت متعارف آن می‌فروخت. حضرت به او فرمود: در بازار ما، کالا را به قیمتی کمتر از نرخ بازار می‌فروشی؟ گفت: بله. حضرت ﷺ فرمود: آیا این کار به دلیل از خودگذشتگی و برای خداست؟ عرض کرد: آری. حضرت فرمود: بر تو بشارت باد، کسی که کالایی را به بازار ما می‌آورد، مثل مجاهد در راه خداست و کسی که در بازار ما احتکار می‌کند، همانند ملحد در کتاب خداست.

این پرسش و پاسخ و تأیید رسول‌الله ﷺ نشان می‌دهد که کاهش قیمت توسط انسان عاقل اگر برای خدا نباشد، به قصد ورشکست کردن دیگران و به‌دست‌گرفتن بازار و به‌انحصاردرآوردن آن است. وقتی دیگران از بازار خارج شدند، انحصارگر قیمت کالا را به دلخواه افزایش می‌دهد و از این طریق باعث زیان دیگران می‌شود؛ بدین سبب پیامبر ﷺ کسی را که با چنین رفتاری مواجه است، همانند ملحد در کتاب خدا می‌داند.

شش. در روایتی امام صادق ﷺ رفتار انحصارگرانه و توافق افراد برای گران‌ترفروختن کالاها را به‌شدت نکوهش کرد: حضرت به خدمتکار خود (مصادف) فرمود: افراد تحت تکفل من زیاد شدند و هزار دینار در اختیار او قرار داد و فرمود: با کاروان تجاری به قصد تجارت به مصر برو. مصادف با سایر افراد کاروان کالایی را برای فروش در مصر فراهم کردند. هنگامی که نزدیک مصر رسیدند، از قیمت و وضعیت آن کالا در مصر جویا شدند. اطلاع یافتند که آن کالا در مصر نایاب و در عین حال مورد نیاز عموم مردم است. هم‌قسم و هم‌پیمان شدند تا کالای خود را به دو برابر قیمت خرید بفروشند (فتح‌الفوا و تعاقدا)





علی آن لاینقصوا متاعهم من ربح الدینار دینارا). وقتی نزد امام صادق علیه السلام برگشتند، ماجرا را برای حضرت تعریف کردند و دو هزار دینار را نزد امام علیه السلام قرار دادند. امام علیه السلام با ناراحتی گفت: «سبحان الله تحلفون علی قوم مسلمین ان لاتبعوهم الا بربح الدینار دینارا، ثم اخذ احد الکیسین، قال: هذا رأس مالی، ولا حاجة لنا فی هذا الربح: پاک و منزه است خداوند متعال. شما ضد مسلمانان هم‌قسم شدید تا در برابر هر دینار، یک دینار سود ببرید؛ آن‌گاه یکی از دو کیسه دینار را گرفت و فرمود: این سرمایه من است و به سود این معامله نیازی نداریم». آن‌گاه فرمود: ای مصادف جهاد با شمشیر آسان‌تر از کسب حلال است (حر عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۷، ص ۴۲۲).

فقیهان فتوا داده‌اند که حتی در ایام خشکسالی اگر افراد کالای خود را به قیمت گران بفروشند، معامله صحیح است و اشکالی هم در اخذ سود نیست؛ بنابراین در وضعی که یک کالا کمیاب است و می‌توان آن را از جای دیگر خرید و به دو برابر قیمت هم فروخت، به طریق اولی باید معامله صحیح و سود هم حلال باشد؛ پس چرا امام علیه السلام این عمل مصادف را به شدت تقبیح کرد و حتی سود پول خود را پس داد؛ یعنی براساس قواعد فقهی، هم معامله صحیح و هم سود حلال است؛ پس این نکوهش شدید امام علیه السلام را چگونه باید توجیه کرد؟

به نظر می‌رسد عملی که در این روایت مورد مذمت امام قرار گرفته، رفتار انحصارگرا نه مصادف و افراد کاروان علیه مسلمانان است. هم‌قسم و هم‌پیمان شدن مصادف با دیگران برای فروش کالا به دو برابر قیمت، به شدت امام علیه السلام را خشمگین کرد و باعث شد سود را نپذیرد و با اینکه سود را نپذیرفت، نگفت این سود حرام است؛ پس این معامله از لحاظ حکم وضعی صحیح و مذمت امام علیه السلام مربوط به رفتار انحصارگرا نه است.

هفت. روایت دیگری در همین زمینه از پیامبر ﷺ وارد شده که بسیار گویاست: «من دخل فی شیء من اسعار المسلمین لیغلیه علیهم کان حقاً علی الله آن یقدقه فی معظم من النار و رأسه اسفله: هرکس در نرخ قیمت کالاهای مسلمانان دخالت کند تا آن را بر مسلمانان گران کند، خدای متعال حق دارد او را وارونه به بدترین جای جهنم پرتاب کند (الهندی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۱۰۱).

یکی از رفتارهایی که باعث افزایش قیمت‌ها در بازار می‌شود، رفتار انحصارگرانه است. هشت. انحصار مانع تحقق هدف نظام اقتصادی اسلام است. هدف عالی نظام اقتصادی اسلام، رفاه عمومی است (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۷-۲۸۴). انحصارگر با افزایش قیمت‌ها در صدد کاهش رفاه عمومی است. اگر جریان شکل‌گیری انحصار در جامعه نهادینه شود، آن جامعه هرگز به رفاه عمومی مطلوب دست نخواهد یافت. از آنچه درباره اصل رفتاری تعاون، رقابت و انحصار بیان شد، اهمیت دیدگاه شهید بهشتی رحمته کاملاً آشکار می‌شود. ایشان با هشیاری بی‌نظیر با نفی رقابت، بر اصل رفتاری تعاون و همکاری تأکید دارند. ناسازگاری اصل رفتاری تعاون و همکاری با اصل رفتاری انحصارگرانه بدیهی‌تر از ناسازگاری آن با اصل رفتاری رقابت است؛ بنابراین شاید به همین دلیل ایشان نیازی ندید به این ناسازگاری اشاره نماید.

شهید بهشتی رحمته: «در اقتصاد تعاونی نقش اصلی در تولید، مدیریت و بهره‌برداری را انسان بر عهده دارد نه سرمایه»

ایشان در تبیین این مطلب فرمودند: «در تعاونی‌ها حق رأی تابع سرمایه نیست. بر این اساس هر عضوی سرمایه‌اش هر قدر که می‌خواهد باشد، باید یک رأی داشته باشد. در شرکت‌های سهامی خاص و سهامی عام، رأی بر اساس تعداد سهام است. حال آنچه در

تعاونی‌ها می‌خواهیم، این است که رأی به انسان بدهیم و نه به سهام و بر این مسئله به منزله نکته‌ای مهم در انسانی کردن روابط اقتصادی در اقتصاد تعاونی تکیه کنیم» (بهشتی، ۱۳۹۳، ص ۲۳-۲۴).

در اقتصاد تعاونی جایگاه انسان و نیروی کار ترفیع می‌یابد و سرمایه در خدمت نیروی کار قرار می‌گیرد. نیروی کار هم مالک منابع و محصول تولیدی و هم مدیر فرایند اقتصادی است. افزون بر آن سه نوع بهره‌مندی دارد: نیروی کار است و متناسب با تخصص خود دستمزد دریافت می‌کند؛ صاحب سرمایه است و متناسب با سرمایه خود سود متناسب و محدود دریافت می‌نماید؛ پس از کسر همه هزینه‌ها از سود خالص بهره‌مند است. نیروی کار در دوران رونق، در سود مازاد سهم دارد و در دوران رکود با تلاش فراوان با اندک بهره‌مندی می‌سازد تا واحد تولیدی یا خدماتی را از ورشکستگی نجات دهد. در نظام سرمایه‌داری صاحبان سرمایه اغلب غیر از نیروی کار است و صاحبان سرمایه و کارفرماها مالک منابع و محصول تولیدی و مدیر فرایند اقتصادی هستند و نیروی کار باید به دستمزد حداقلی خود اکتفا کند و در دوران رونق اقتصادی نیروی کار غیر از دستمزد ثابت، بهره‌ای ندارد و در دوران رکود ناچار باید از کار اخراج گردد. در اقتصاد سرمایه‌داری سرمایه نقش محور و جایگاه رفیعی نسبت به انسان دارد؛ اما در اقتصاد تعاونی انسان نقش محوری و جایگاه رفیعی نسبت به سرمایه دارد. بر اساس آموزه‌های اسلامی انسان جایگاه رفیعی دارد و جانشین خدا در زمین است: «هو الذی جعلکم خلائف الارض: او [خدا] کسی است که شما را جانشین خود در زمین قرار داد» (انعام: ۱۶۵).

در آیات فراوانی خدای متعال تصریح می‌کند که تمام نعمت‌های جهان برای انسان آفریده شده است. به ذکر یک نمونه آن اکتفا می‌شود: «الذی خلق لکم ما فی الارض

جمیعا: او [خدا] کسی است که همه آنچه را [از نعمت‌ها] در زمین وجود دارد، برای شما آفرید (بقره: ۲۹).

با توجه به جایگاه انسان در نظام آفرینش و اینکه تمام نعمت‌ها را خدای متعال برای انسان آفریده است و همه چیز باید در خدمت رفع نیازها و تکامل و پیشرفت انسان باشد، روشن است که جایگاه انسان در اقتصاد تعاونی نسبت به جایگاه او در نظام سرمایه‌داری، متناسب با آموزه‌های اسلامی است و به همین جهت است که شهید بهشتی<sup>ع</sup> بر این امر تأکید دارند. به همین جهت است که شهید بهشتی<sup>ع</sup> معتقد است در اقتصاد تعاونی نیروی کار افزون بر مدیر و صاحب سرمایه بودن، بهره‌بردار نیز هست.

تیین تمام دیدگاه‌های شهید بهشتی<sup>ع</sup> درباره اقتصاد تعاونی از حوصله این نوشتار بیرون است و تنها به دو بند دیگر از دیدگاه‌های ایشان اشاره می‌شود تا عمق اندیشه ایشان برای توسعه و گسترش دانش تعاونی روشن شود.

شهید بهشتی<sup>ع</sup> می‌گوید: «۱. وقتی نقش دولت در اقتصاد کاهش می‌یابد، نباید جایش را به قطب‌های سلطه سرمایه‌داری و سیاسی داد. ۲. از طریق گسترش اقتصاد تعاونی می‌توان جلوی سلطه سرمایه‌داری خارجی و داخلی را گرفت».

این دو مطلب، از امور مهم برای جامعه فعلی ماست. اکنون که دولت در حال واگذاری اقتصاد بخش دولتی به بخش خصوصی است، اهمیت پاسخ این پرسش بسیار نمایان می‌باشد: «دولت واگذاری‌ها را چگونه انجام دهد تا مانع ایجاد یا تقویت قطب‌های سلطه سرمایه‌داری و سیاسی شود؟».

آنچه در اختیار دولت قرار دارد، ثروت ملی است که باید در جهت تأمین رفاه عمومی به کار گرفته شود. تردیدی نیست که رفع فقر عمومی در اولویت واگذاری باید قرار گیرد.





چون بیان شد که خدای متعال تمام نعمت‌ها را برای همه مردم آفریده است و زمانی که بخش عظیمی از ثروت‌های الهی در اختیار دولت قرار گرفت، دولت موظف است آن را در مسیر صحیح خود به جریان اندازد، وگرنه به وظیفه خود عمل نکرده است. چهار نوع مسیر برای واگذاری‌ها وجود دارد که در ادامه توضیح داده می‌شود تا روشی که به دیدگاه شهید بهشتی نزدیک‌تر است، مشخص شود:

الف) فروش به سرمایه‌داران تا دولت از این طریق کسب درآمد کند. نظام می‌تواند درآمدهای حاصله از این روش را در امور که به مصلحت است، مصرف نماید. فرض می‌کنیم که واگذاری‌ها به قیمت عادلانه انجام می‌شود و درآمدهای حاصله در امور که به مصلحت عمومی است مصرف می‌گردد؛ اما این روش با نگرانی جدی مواجه است که شهید بهشتی رحمته‌الله به آن اشاره کرده است که توزیع ثروت و دارایی جامعه به کمک نظام اسلامی به نفع سرمایه‌داران جامعه صورت گرفته است. با توجه به اینکه سرمایه‌داران مالکیت و سود خود را توسعه می‌دهند، جریان افزایش سرمایه به طور مضاعف به نفع آنان خواهد بود و به مرور قطب‌های سلطه سرمایه‌داری به وجود می‌آیند. از آنجایی که سرمایه‌داران در صدد افزایش سرمایه از طرق مختلف برمی‌آیند، تلاش می‌کنند به کمک قدرت اقتصادی، در جریان قدرت سیاسی جامعه نیز نفوذ کنند و از این طریق تبدیل به قطب سیاسی نیز بشوند. این اتفاق در بلندمدت به معنای سرمایه‌سالاری در تمام ابعاد جامعه است. به دنبال چنین اتفاقی باید منتظر مفاسد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بسیاری بود. در واقع در چنین شرایطی نهادهای نظام اسلامی همانند مجلس تبدیل به بنگاه اقتصادی و سیاسی خواهد شد تا یک مجلسی که به نفع مردم مستضعف تصمیم بگیرد. بنابراین اگر با این روش نقش تصدی‌گری دولت در اقتصاد کاهش پیدا کند.

نتیجه همان خواهد شد که شهید بهشتی علیه السلام هشدار دادند که منجر به سلطه اقتصادی و سیاسی می شود.

ب) فروش به کارگران همان واحدها. هر کس هر مقداری که توان خرید دارد، سهم آن واحد تولیدی را خریداری کند. این نحو واگذاری گرچه مفاسد روش پیشین را ندارد، معمولاً کارگران واحدهای تولیدی امکان خرید آن واحدها را ندارند؛ بنابراین چنین روشی عملاً اتفاق نمی افتد یا اگر اتفاق بیفتد حجم واگذاری ها از این روش اندک خواهد بود.

ج) واگذاری واحدهای تولیدی به کارگران آن واحدها و سایر جویندگان کار به شکل تعاونی های تولیدی و به نحو واگذاری مالکیت به مقدار مساوی و بدون دریافت قیمت سهم از کارگران. این روش بهترین روش توزیع ثروت، تحقق عدالت، رفع فقر، ترفیع جایگاه انسان در برابر سرمایه، توسعه مالکیت ها، جلوگیری از ایجاد قطب های سلطه اقتصادی و سیاسی و افزایش نرخ رشد تولید در سطح ملی است. در این روش نیروی کار براساس تخصص و جایگاه شغلی خود در آن واحد تولیدی دستمزد دریافت می کند و افزون بر آن، نسبت به سهم خود از سود سالانه نیز برخوردار است. کارگران با تلاش فراوان تولید خود را افزایش می دهند تا هم واحد تولیدی قوام و دوام لازم را پیدا کند و نیز از سود بیشتری بهره مند گردند. در این روش، نظام دریافتی خاصی ندارد؛ اما این اقدام بهترین روش برای حفظ سطح اشتغال موجود، بلکه افزایش آن است. البته یکی از آثار این روش آن است که کارگرانی که در این واحدها بازنشسته می شوند، افزون بر حقوق بازنشستگی، درآمدی هم از ناحیه سهم خود دریافت کنند، در حالی که سرمایه اولیه مال آنان نبود و نظام به تملیک آنان درآورده بود. همچنین بعد از فوتشان برای فرزندان خود به ارث می گذارند؛ در حالی که فرزندان آنان بدون انجام کاری از ناحیه پدر یا خود، مالک سرمایه



و درآمدی می‌شوند. این مالکیت برای پدر در دوران بازنشستگی و برای فرزندان بعد از فوت پدر ممکن است حق تصمیم‌گیری در فرایند تولید ایجاد کند. این امر اشکال شرعی ندارد؛ اما ممکن است جایگاه انسان و کارش را تضعیف نماید و جایگاه سرمایه را در فرایند تولید و بهره‌مندی ترفیع دهد و سرانجام در بلندمدت واگذاری‌ها با همان اشکال شهید بهشتی<sup>ع</sup> مواجه شود. اما می‌توان روشی را در پیش گرفت که درآمدهای افراد در این واگذاری‌ها تنها بر اثر تلاش آنان باشد که در روش بعدی بیان می‌شود.

د) واگذاری آن واحدها به کارگران همان واحد و سایر جویندگان کار به شکل تعاونی‌های تولیدی و به نحو واگذاری حین اشتغال و به مقدار مساوی بدون دریافت مبلغی از کارگران باشد. در این نوع واگذاری، مالکیت واحد تولیدی برای دولت محفوظ می‌ماند و افرادی که در آن واحد تولیدی اشتغال دارند، دو نوع بهره‌مندی خواهند داشت. دستمزد ثابت براساس تخصص و میزان کاری که انجام می‌دهند و دیگری سودی که از ناحیه سهم حین اشتغال نصیبشان می‌شود. از آنجایی که مالکیت برای دولت محفوظ است، کارگران نمی‌توانند در دوران بازنشستگی سود سهمی داشته باشند و نیز نمی‌توانند سهم حین اشتغال خود را برای فرزندان‌شان به ارث بگذارند و بعد از دوران بازنشستگی یا فوتشان یک فرد بیکار جویای کار بلافاصله جذب آن واحد تولیدی می‌شود و افزون بر دریافت دستمزد، از ناحیه سود سهام حین اشتغال نیز سهم سود دریافت می‌کند.

معلوم است که روش چهارم نزدیک‌ترین روش به دیدگاه شهید بهشتی<sup>ع</sup> است. البته لازم است ذکر شود این دیدگاه دارای منطقی و پشتوانه محکم نظری است. از منظر آموزه‌های اقتصاد اسلامی رفاه عمومی هدف عالی نظام اقتصادی اسلام است (یوسفی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱-۱۲۷)؛ کما اینکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به این امر



تصریح شده است (منصور، ۱۳۵۸، ص ۲۲). این هدف پیام روشنی برای تمام ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران دارد که عبارت است از: هر گونه فعالیت اقتصادی دولت باید موجب افزایش رفاه عمومی شود. این فعالیت اعم از واگذاری‌های واحدهای اقتصادی است.

۱۰۵



پیام روشن این بررسی برای مسئولان اقتصادی کشور آن است که بهترین روش واگذاری مطابق با دیدگاه‌های عالمانه شهید بهشتی<sup>ع</sup> و نیز تصریح قانون اساسی و هدف نظام اقتصادی اسلام آن است که واگذاری به سمت اقتصاد تعاونی حقیقی در اولویت باشد.

### نتیجه‌گیری

از آنچه بیان شد، روشن گردید که دیدگاه‌های شهید بهشتی<sup>ع</sup> هم مبدأ ایجاد اقتصاد تعاونی در ابتدای انقلاب است و هم می‌تواند منشأ تحول و گسترش دانش اقتصاد تعاونی در ایران شود. برای تحقق این امر لازم است سایر محورهای یازده‌گانه دیدگاه‌های شهید بهشتی<sup>ع</sup> براساس معارف و مبانی اسلامی تبیین شود. آن‌گاه مبتنی بر خروجی علمی، قانون تعاونی جمهوری اسلامی ایران بازنگری و نیز جریان اقتصاد تعاونی کشور آسیب‌شناسی و راه‌حلی‌هایی برای خروج از آنها براساس دانش شکل‌گرفته ارائه گردد.

## منابع

۱. ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه؛ ج ۲۰، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم؛ قاهره: دار احیاء الکتب العربیة، ۱۹۶۴م.
۲. ابن منظور؛ لسان العرب المحيط؛ ج ۱، چ ۱، بیروت: انتشارات دار الجیل و دار لسان العرب، ۱۹۹۸م/۱۴۰۸ق.
۳. آذرنوش، آذرتاش؛ فرهنگ معاصر عربی-فارسی؛ چ ۱، تهران: نشر نی، ۱۳۷۹.
۴. بابویه القمی، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین؛ معانی الاخبار؛ تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری؛ چ ۱، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۸ق/۱۳۷۶ش.
۵. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ صحیح البخاری؛ ج ۱، [بی جا]: دار الفکر، ۱۹۸۱م.
۶. بدن، لویی؛ تاریخ عقاید اقتصادی؛ ترجمه هوشنگ نهاوندی؛ چ ۲، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۵۴.
۷. بهشتی، شهید آیت الله دکتر؛ اقتصاد تعاونی؛ تهیه و تنظیم بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید آیت الله دکتر بهشتی؛ چ ۱، تهران: روزبه، ۱۳۹۳.
۸. —؛ اهمیت شیوه تعاون از دیدگاه شهید مظلوم ایت الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی (سخنرانی ایراد شده در دانشگاه تهران مورخ ۱۳۵۹/۹/۳۰)، چ ۱، تهران: وزارت تعاون، ۱۳۷۴.
۹. بوزان، باری؛ مردم، دولت ها و هراس؛ پژوهشکده مطالعات راهبردی؛ چ ۱،



- تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.
۱۰. پایگاه اطلاع رسانی وزارت تعاون در: <http://taavon1404.ir/?p=215> تاریخ ۱۸/۰۳/۱۳۸۹
۱۱. تفضلی، فریدون؛ تاریخ عقاید اقتصادی (از افلاطون تا ارسطو)؛ ج ۲، تهران: نشر نی، ۱۳۷۵.
۱۲. تمیمی آمدی، محمد؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ شرح محمد خوانساری؛ ج ۵، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۱۳. حر العاملی، محمد بن الحسن؛ وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة؛ ج ۱، بیروت: مؤسسة ال البيت علیه السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ق/۱۹۹۳م.
۱۴. الحسینی الزیدی، السید محمد مرتضی؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ ج ۱۰، تحقیق ابراهیم الترزی؛ لبنان: انتشارات دارالهدایه ۱۹۷۲م.
۱۵. داویدویچ، جرج؛ به سوی دنیای تعاون؛ ترجمه سازمان مرکزی تعاون کشور؛ ج ۱، تهران: انتشارات سازمان مرکزی تعاون کشور، ۱۳۴۷.
۱۶. رشاد، علی اکبر (زیر نظر)؛ دانشنامه امام علی علیه السلام؛ ج ۱، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۷. رنانی، محسن؛ بازار یا نابازار؛ ج ۱، تهران سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۶.
۱۸. ژید، شارل و شارل ریست؛ تاریخ عقاید اقتصادی؛ ج ۱، ج ۳، ترجمه کریم سنجایی؛ تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۰.
۱۹. سید محمد حسن بجنوردی؛ القواعد الفقهیه؛ ج ۱، ج ۱، قم: نشر الهدی، ۱۳۷۷.



۲۰. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۳، روابط عمومی مجلس شورای اسلامی ایران، چ ۱، ناشر اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴.
۲۱. طالب، مهدی، اصول و اندیشه‌های تعاونی؛ چ ۱، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
۲۲. الطباطبایی، السید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۵، چ ۱، بیروت: انتشارات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۷م.
۲۳. فرجی، یوسف؛ تئوری اقتصاد خرد؛ چ ۱، تهران: شرکت و نشر بازرگانی وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۸.
۲۴. فرسون، سی بی مک؛ جهان حقیقی دموکراسی؛ ترجمه مجید مددی؛ چ ۱، تهران: نشر البرز، ۱۳۶۹.
۲۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ تدوین جهانگیر منصور؛ چ ۱، تهران، مصوب ۱۳۵۸.
۲۶. قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران با آخرین اصلاحات، معاونت پشتیبانی و امور مجلس وزارت تعاون، چ ۱، تهران، مصوب مهر ۱۳۷۷.
۲۷. قدیری اصلی، باقر؛ سیر اندیشه اقتصادی؛ چ ۹، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الاصول من الکافی؛ ج ۲، تعلیق علی اکبر الغفاری؛ چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۲۹. کمبرلی و رابرت کراپ؛ اصول و رویکردهای تعاون در قرن بیست و یکم؛



- ترجمه مرجانه سلطانی؛ تهران: انتشارات وزارت تعاون (معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج) ۱۳۸۵.
۳۰. گزارش کار سی و یکمین کنگره اتحادیه بین‌المللی تعاون منچستر، ۱۹۹۵م/ ۱۳۷۷ش، اتحادیه بین‌المللی تعاون، ترجمه معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج دفتر تحقیقات؛ چ ۱، تهران: انتشارات وزارت تعاون.
۳۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ ج ۷۵، چ ۳، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۳۲. موریس، اس چارلز و اون آر فیلیپس؛ تحلیل اقتصادی؛ ج ۲، ترجمه حسن سبحانی؛ تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۳۳. نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی؛ چ ۱۹، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.
۳۴. الهندی، علی المتقی بن حسام الدین؛ کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال؛ ج ۴، چ ۱، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
۳۵. یوسفی، احمدعلی؛ «ابهام در اهداف نظام اقتصادی اسلام و ساماندهی آن»، فصلنامه اقتصاد اسلامی؛ ش ۲۳، ۱۳۸۵.
۳۶. —؛ «مصلح فرد و جامعه در اقتصاد»، فصلنامه اقتصاد اسلامی؛ ش ۲۹، بهار ۱۳۸۷.
۳۷. —؛ نظام اقتصاد علوی (مبانی، اهداف و اصول راهبردی)؛ چ ۱، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.